



خیلواکی

استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۲۲ اکتوبر ۲۰۲۰

حمید انوری

"ای نویسنده از برای خدا- خط نویسی به دیگری فرما"

دیرگاهیست که شخصی به نام "صلاح الدین سعیدی"، در یکی دو سایت معلوم الحال، گویا قلم فرسایی دارد و هر آنچه دل تنگ اش گفت بگو، می گوید. البته او مانند هر هموطن و هر انسان دیگر کاملاً آزاد است نظرات خود را از هر طریقی که ثواب بداند، اظهار و ابراز بدارد. اما مشکل در اینجاست که آن جناب بهتر بود خط نویسی را به دیگری می گذاشت تا لااقل در این بیست سال و اندی، چیزی می توانست عرضه دارد که قابل فهم و مورد استفاده بوده و می توانست از یک معنی و مفهوم برخوردار باشد. بگفته شاعر:

ای نویسنده از برای خدا
خط نویسی به دیگری فرما
یا خط خوش نویس که خوانده شود
یا خودت همراهی نوشته بیا

این هموطن ما که گویا نویسنده و سیاست دان و "کارشناس" و "عالم دین" و چند چیز دیگر اند، از همان دسته نویسندگانی اند که باید خودشان با نوشته های خود حضور بهم رسانند، تا معنی و مفهوم نوشته های خود را شرح دهند. اگر می گوئید نه، پس دقت کنید که او چه می نویسد:

{ اسم: صلاح الدین سعیدی محل سکونت: انگلستان تاریخ: 21.10.2020 - محل نشر: آریانا- افغانستان آنلاین }

برادر معزز جلال السلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ

خواننده معزز سلام

متاثرم که با کس به لحن شدت و لحن نا مناسب کردن، مجبور میشوم.

یافتن بدی لذت ندارد و حتی به جزا دادن متخلف خوشی بخاطر نیستم که درین فکر دارم که انسان

چرا باید تخلف کند؟

خیر هر یک باید کلاه خود را قاضی کند و با خود محاسبه کرد.

طالب حد اقل سه حلقه است. رهبری، متوسط و صفوف. طالب و اعتقاد طالب خدمت به اسلام و

افغانستان است اما در عمل در فهم از منابع دینی و در بخش سیاست ها خطاء های دارد. با انفجار

فرصت توبهء مسلمان گنهکار را گرفته و به صورت عمد به قتل و کشتار مردم بی گناه هیچ مبرر

سرعی وجود ندارد. فتاوی مسلمان استاد شده در صف مخالف با اسان سازی جواز قتلش را

برداشت و فتوی نادرست میدانم و مستندات زیاد دارم که چنین عمل نه اسلامی است و نه انسانی.

در مسایل فهم از تطبیق حدود و تعزیرات، در بخش ایجاد حاکمیت اسلامی خود را موجه و مطابق

فهم درست اسلام میدانند اما در موارد درین بخش خطا های جدی دارند و میکنند. اما طالب

خواسته باشد و یانه استابلشمنت پاکستان. ایشان را به نهاد براندازی و نظام براندازی در افغانستان

به کار میبرد. من از نداشتن نظام بر داشتن نظام باورمندم. من انقدر خلاهای در حاکمیت افغانی

در 20 سال گذشته تا حال را میدانم که کس تصور نه کند اما نظام افغان را بر نظام و حاکمیت

ایران و پاکستان ارجحیت میدهم. پاکستان برای افغانستان هیچ حاکمیت نمی خواهد و جنگ در

افغانستان را بهتر میداند تا منافع پاکستان تأمین شود.

پاکستان از تقسیم هند 1947م ایجاد نه شده و من مستندات کافی دارم که پاکستان در ملک غیر

بناء یافته.

من طالبان را جز نتیج سیاسی میدانم و دوستان از ایشان دارم. اما مشکل زمانی پیدا میشود که

جز خود را کل بدانند.

در مذاکرات موجود طالب کل قدرت را از امریکا میخواهد و پاکستان و ایران و امریکا با طالب

صادق نیست و طالب را دست پاک ساخته و تراژییدی ملت افغان بنابر مواضع و روشهای موجود

طالب طولانی میشود. طالب نباید سلاح خود را تسلیم و به ترحم حاکمیت افغانی بنشیند اما زمینه

ساز تصمیم ملت بر ارزشها باید شود. بقیه موارد سفارش های شما با شما موافقم.

الهی ما را هدایت نیکی کن که جایگاه خود و دیگران را بشناسیم. در عفو و گذشت در مواردی
زمان گیر و یا عدم پیگیر هم راه حل است. الهی هدایت نیکی کن
آمین یا رب العالمین}

حال ببینید که نوشته های سردرگم، بی مفهوم و بی معنی او را اندکی ته و بالا کنیم تا آنچه در بالا
ادعا نمودم، واضح شود:

"... متاثرم که با کس به لحن شدت و لحن نامناسب کردن، مجبور میشوم."

درست این جمله چنین باید باشد: متاثرم که با کسی یا کسانی با لحن درشت یا شدید(لحن شدت غلط
است) و لحن نامناسب مجبور می شوم برخورد کنم(لحن نامناسب کردن غلط است).

این کمترین هرگز آرزو ندارم تا در خمیر مو بپالم، اما این هموطن معزز، چپ و راست و هفته و
چهارشنبه، شام و پگاه و بیگاه، مقاله و نظر می نویسد، "عالم دین" است و هر گاه و ناگاه هم با
برنامه های رادیویی و پروگرام های تلویزیونی مصاحبه کرده و لینک های آنها را در اختیار
هموطنان می گذارد تا از آنها مستفید گردند و...، پس باید دقیق شد که آن پروگرام های رادیویی و
تلویزیونی، چرا و به کدام دلیل و روی چه اهدافی با همچو اشخاص مصاحبه میکنند و از او نظر
می خواهند؟!

" یافتن بدی لذت ندارد و حتی به جزا دادن متخلف خوشی بخاطر نیستم که درین فکر دارم که
انسان چرا باید تخلف کند؟"

خدمت آن جناب باید عرض کرد که "بدی"، یافت نمی شود، بلکه بدی انجام داده می شود. بدی
مفقود نشده است که یافت شود. کاش بدی مفقود می شد تا هیچ بنی بشر در روی کره خاکی، قادر
به یافتن آن نمی شد.

از جانب دیگر کی گفته است که انجام دادن "بدی"، لذت دارد؟!

" حتی به جزا دادن متخلف خوشی بخاطر نیستم"، این جمله آنقدر گنگ و بی مفهوم و غیر مرتبط
است که جهت توضیح و تشریح و تفصیل آن، هیچ راه دیگر موجود نیست، جز اینکه خود
نویسنده، با نوشته خود تشریف فرما شود، یا اینکه خط نویسی به دیگر فرماید.

" درین فکر دارم"، در جمله بالا غلط است، باید می نوشتند که در این فکر هستم.

چار ناچار باید این نوشته و این نظر جناب "سعیدی"، را سطر به سطر زیر ذره بین قرار داد تا
اقلاً یک مفهوم نسبی از آن بیرون کرد.

این کمترین بار بار به مسؤلان هر دو سایت متذکر گردیده بودم که:

"سیاهی لشکر ناید بکار، دوصد مرد جنگی به از صد هزار"

اما با درد و دریغ که هرگز گوش شنوایی نیافت که نیافت و هر دو سایت در یک رقابت منفی، در صدد بالابردن کمیت بودند و کیفیت را قربان کمیت کردند و امروز می بینیم که به اصطلاح زیبایی وطنی چه "گلگل میری" در هر دو سایت به وجود آمده است که همین نظر جناب "سعیدی"، مشت نمونه خروار است. البته این کمترین در حد توان خود، بالای این "گلگل میری" ها، وقتاً فوقتاً انگشت خواهم گذاشت، تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

جناب "سعیدی" ادامه میدهند:

"خیر هر یک باید کلاه خود را قاضی کند و با خود محاسبه کرد." درست این جمله از نظر این کم سواد، که نه "داکتر" هستم، نه "عالم دین" و نه هم چند چیز دیگر، باید این گونه می بود: خیر، هر یک باید کلاه خود را قاضی کند و با خود محاسبه کند."

وی ادامه میدهد: "... طالب و اعتقاد طالب خدمت به اسلام و افغانستان است اما در عمل در فهم از منابع دینی و در بخش سیاست ها خطاء های دارد..."

جان مطلب همینجاست! این هموطن که گویا "عالم دین" است، عمل انتحار و انفجار و کشتار و خون ریزی و هزار و یک کار ناصواب و خلاف شرع و خلاف افغانیت و انسانیت طالب را، "اعتقاد طالب خدمت به اسلام و افغانستان" توجیه می کند و از نظر او همه و همه، خدمت به اسلام و خدمت به افغانستان است و هیچ مشکلی ندارد، البته بعضی غلط فهمی ها در دین و سیاست دارند، که از نظر جناب "سعیدی"، قابل فهم است.

خدا بیامرزد حضرت حافظ را که چه خوش گفته بود:

گر مسلمانی همین است که حافظ دار

وای اگر از پس امروز، بود فردائی

این بیت حافظ را اگر با اوضاع و احوال امروز کشور خود بنویسیم، چنین خواهد بود:

گر مسلمانی چنین است که "طالب" دارد

وای اگر از پس امروز، بود فردائی

همین جناب "سعیدی" باری در گرماگرم شیوع "کرونا"، در همین دریچه نظر خواهی سایت "آریانا-افغانستان آنلاین"، نوشته بودند که "کرونا و غضب خداوند، هردو یک سان است که خُشک و تر هر دو را می سوزاند". حتماً جناب شان به یاد دارند که به جواب شان در همان دریچه نوشته بودم که شما محترم که گویا "عالم دین" تشریف دارید و چندین مقاله و نوشته و چند کتاب هم در مورد مسائل دینی نوشته اید، نظر به کدام دلیل و کدام آیت و حدیث ادعا میکنید که غضب خداوند، خُشک و تر، هر دو را یکجا می سوزاند، پس عدالت خداوندی کجا شد و...؟!!

آن جناب اما هرگز و هرگز حاضر نشدند به آن سوال ساده پاسخ ارائه کنند و امروز می بینیم که آوازه و دروازه است که طالب برمیگردد، آقای "سعیدی" طبل طالب بر گردن انداخته و آواز گوش خراش آنرا، از این سایت و آن سایت دیگر، بی دغدغه بیرون می دهد.

برمیگردیم به جفنگیات دیگر آن جناب مستطاب:

" با انفجار فرصت توبهء مسلمان گنهگار را گرفته و به صورت عمد به قتل و کشتار مردم بی گناه هیچ مبرر سریعی وجود ندارد."

این بدان معنی تواند بود...

ادامه دارد